

## قافله سالار عشق (ميلاد حضرت زينب عليها السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



### بانوی توحيد و شهادت

دوران زندگی دنیایی، نقطه عطف حیات ابدی انسان است که در آن، سعادت یا شقاوت خویش را رقم می زند. خوشا به حال مؤمنان؛ آنان که در ایمان خویش چون کوه استوارند و در راه رضای یار، جز به وصل و لقای او نمی اندیشند. همانانی که در مسیر بندگی، با آهنگ عشق و وفاداری سیر می کنند و در این راه از معبود محبوب خویش جز خوبی و زیبایی نمی بینند؛ هر چند در رنج و بلا باشند.

سلام بر قافله سالار کاروان عشق که صبر از شکیبایی او در آزمون شد. بنده راستین الهی که از برکت انفاس معصومان و همت والای خویش، اجر فرزند شهید، خواهر شهید، عمّه شهید و مادر شهید را به کف آورد و جاودانه تاریخ و اسوه حق پویان گردید. او که چشم تیز بین زمان، از دیدار مثل و ماندش در شکیبایی و زیبا نگری محروم ماند و به حیرت نشست. سلام بر بانوی توحید و شهادت، عقيله بنی هاشم، فاطمه صغری؛ زينب کبری (عليها السلام) .

### تجلی فاطمه و علی (عليهما السلام)

در نظامی که زن موجودی زاید و دست و پاگیر به شمار می رفت و داشتن دختر در خانواده ننگ بود، خدای بزرگ پیامبری با کتاب و روشی روشن برانگیخت و به او دختری عطا کرد که به «کوثر» ملقب گشت؛ یعنی «خیر فراوان» که در طول تاریخ، همواره الگوی زنان و بهترین جلوه جمال الهی بوده است. حضرت زينب (عليها السلام) دختر این زن و تربیت شده اوست که کمالات فاطمه (عليها السلام) و روح بلند حضرت علی (عليه السلام) در وجود تابناکش موج می زند؛ زنی که سکوتش یادآور شکیبایی مادر است و سخنش پژواک خطبه های آتشین پدر. زنی که تا خاموش است، همه فاطمه (عليها السلام) است و آن گاه که لب می گشاید، یکسر علی (عليه السلام)

است. زنی که یک تنه بزرگ ترین پیام آور مکتب عاشورای حسینی و فریادگر آزادی و کرامت انسانی برای همه تاریخ است .

### زینت امیرمؤمنان (علیه السلام)

«زینب» در لغت به معنای درخت نیکو منظر آمده، و ممکن است مخفف از «زین و اب» باشد؛ یعنی زینت پدر، و البته هر دو این معانی، برازنده وجود والا و مقدس دختر زهرا (علیهما السلام) و علی (علیه السلام) است؛ زیرا تمام تاریخ، حیران نظاره درخت تنومند و سرو قامت صبر و استقامت زینب (علیهما السلام) است و فهم والا و عرفان زلال او. به راستی زینب سر خیل قافله عارفان و موحدان علی بن ابی طالب (علیه السلام) شمرده می شود. امیرمؤمنان (علیه السلام) دو یا سه دختر به نام زینب داشته که از میان آنان، بانوی شجاع کربلا، همان زینب کبری (علیها السلام) است و ام کلثوم، زینب صغری می باشد. از القاب آن حضرت «عقیله» یا «عقیله بنی هاشم»؛ یعنی بانوی ارجمند و یکتاست.

### افتخار همسری

در میان یاران و نزدیکان امیرمؤمنان (علیه السلام) ، افراد زیادی آرزو داشتند به افتخار همسری عقیله بنی هاشم حضرت زینب کبری (علیها السلام) دست یابند، ولی هرگاه نزد امیرمؤمنان در این باره سخن به میان می آوردند، با مخالفت آن حضرت مواجه می شدند. حتی برخی از منافقان ناجوان مرد چون اشعث بن قیس، به پشتوانه مال و ثروت اشرافی خویش، چنین خیال خامی در سر پروراندند، ولی دست رد شیر خدا بر سینه نامحرمشان خورد تا آنکه عبدالله بن جعفر، برادرزاده امام علی (علیه السلام) ، به شرافت همسری زینب کبری (علیها السلام) نائل آمد.

### شکوه ایمان

عبدالله بن جعفر، شوهر زینب کبری (علیها السلام) یکی از شخصیت های مشهور اسلام و از سخاوتمندان شناخته شده است. پدرش جعفر ابی طالب، از مسلمانان شجاع صدر اسلام و سخنوران توانای عرب بود که به جرم ایمان آوردن به خدا و رسول و مبارزه با شرک و بت پرستی، ناچار شد با همسرش «اسماء بنت عمیس» از وطن خود، شهر مکه به کشور بد آب و هوا و سوزان حبشه مهاجرت کند. او بیش از دوازده سال در غربت و دور از

پدرش ابوطالب و مادرش فاطمه بنت اسد و برادرانش عقیل و علی (علیه السلام) به سر برد. جعفر در آنجا نیز آسوده نماند و مورد تعقیب مشرکان قریش و نمایندگان قرارگرفت که برای بازگرداندن آنان به حبشه فرستاده بودند. او در حضور نجاشی، پادشاه حبشه، با کمال شهامت و راستی، از دین و آیین پیغمبر بزرگوار خود دفاع کرد و او را تحت تأثیر سخنان شیوا و گرم خویش قرار داد.

## مفسر قرآن

امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) نزدیک چهار سال از پایان عمر خود را در کوفه گذرانید. علت کوچ آن امام مظلوم (علیها السلام) از مدینه به کوفه این بود که بیشتر هوا خواهان آن حضرت در کوفه بودند و این شهر برای نبرد با معاویه که در شام بود و خوارج - که در نهروان بودند - نزدیک تر و آماده تر از مدینه بود. هنگامی که امیرمؤمنان مرکز خلافت خود را از مدینه به کوفه منتقل کرد، زینب کبری (علیها السلام) نیز با شوهرش عبدالله بن جعفر به کوفه رفت و در آنجا ساکن شدند. عبدالله در جنگ صفین از لشکریان آن حضرت بود و فرماندهی گروهی از سربازان را برعهده داشت. در این مدت، دختر بزرگوار آن حضرت، یعنی زینب (علیها السلام)، همپای پدر بزرگوار و شوهر مجاهد خویش، در راه پیشرفت دین اسلام می کوشید و به ارشاد و تعلیم زنان کوفه اشتغال داشت. نقل است که: «زینب (علیها السلام) در کوفه مجلس درسی برای بانوان تشکیل داده بود و برای آنها قرآن را تفسیر می کرد».

## دیدگاه زینبی

دیدگاه زینبی به نهضت عاشورا، جاذبه های این نهضت را نمایان تر ساخته و راه را برای ارائه هر چه بهتر این مکتب هموار می سازد. از نگاه حضرت زینب (علیها السلام)، کربلا، زیباترین تصویری است که در عالم بشریت ترسیم گردیده و دوردست ترین افق ها در آن به روشنی نشان داده شده است. زینب (علیها السلام) دانش آموخته مکتب امام عارفان، حضرت حسین (علیه السلام) است که در دعای عرفه خویش با صراحت بیان می کند: «بارالها! از پی در پی بودن آثار تو و دگرگونی حالت های آنها، دریافتم که مقصود تو از آفرینش من آن است که خود را در هر چیزی به من بشناسانی، تا به تو در هیچ چیز جاهل نباشم».

## آب حیات تشنگان

زینب (علیها السلام) در کربلا صحنه هایی از اوج کمال و انسانیت را دیده بود که گفت: «جز زیبایی ندیدم». او مشاهده می کرد که جوانان رشید و پرتوان، برای حمایت از دین خدا و پشت سر امام عصر، تمام هستی خود را در طبق اخلاص نهاده اند و با شوری فراوان، به شهادت و لقای یار می اندیشند. زینب کبری (علیها السلام) تربیت شده های مکتب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرمؤمنان (علیه السلام) را می دید که به بار نشسته اند و نتیجه داده اند. به راستی چه زیباست دیدار غنچه های باز شده و باغ پر از گل، که عطر آن مشام هر رهگذری را نوازش می دهد. نگاه زینب (علیها السلام) به جوانان عاشورایی این بود که این جوان مردان، محصول گلستان علوی هستند که در این بیابان به بار نشسته اند و بشریت تا ابد از عطر این گل ها بهره مند خواهد شد. آیا زینب برای بیان این واقعیت، عبارتی زیباتر از «جز زیبایی ندیدم» می توانست به زبان آورد؟!

## عبادت زینب (علیها السلام)

عبادت و بندگی، بزرگ ترین وسیله نزدیکی به درگاه پروردگار متعالی و رسیدن به مقام کمال است و هر کس به هر مرتبه از ایمان و معرفت که رسیده، از این راه دست یافته است. بندگی عارفانه و مخلصانه، یکی از ابعاد وجودی زینب کبری (علیها السلام) است. نیشابوری، از تاریخ نگاران بزرگ می نویسد: «زینب در فصاحت و بلاغت و پارسایی و عبادت، همانند پدرش علی (علیه السلام) و مادرش فاطمه (علیها السلام) بود». تهجد و شب زنده داری زینب (علیها السلام) در تمام مدت عمرش و حتی در سخت ترین شرایط هم ترک نشد.

## هاتف غیبی

حضرت زینب (علیها السلام) از شمار کسانی است که در دار دنیا، فریب زروزیور آن را نخوردند و جز به لقای الهی نیندیشیدند. زینب (علیها السلام) با وجود ثروت فراوان، به آن بی اعتنا بود و چند صباح عمر را چون سروی در بوستان عبادت و بندگی خرامید. او از آب حیات ولایت نوشید و به جایی رسید که مورد شگفتی و تحسین امامان معصوم علیهم السلام قرار گرفت و از برکت انفاس قدسی آنان، با عالم غیب و ملکوت ارتباط برقرار کرد و محرم اسرار الهی گشت، تا جایی که پیشامدهای آینده را به گوش خویش از هاتف غیبی می شنید؛ چنان که نقل است در یکی از منزلگاه های کربلا، به امام حسین (علیه السلام) فرمود: «در شب گذشته، صدای هاتفی را شنیدم که شعری به این مضمون می خواند: ای دیده! اشک حسرت ببار بر شهیدانی که مرگ ایشان را می راند، و به زودی به وعده گاه شهادت می رساند». حضرت فرمود: «ای خواهر! آنچه مقدر شده، روی خواهد داد».

## ایثار عملی

ایمان به خدا، آثار و لوازمی دارد و مسئولیت ها و تعهداتی به دنبال می آورد که هر کس قادر به انجام آنها نیست. مبارزه و جهاد در راه پیشبرد این هدف مقدس، پیکار با بی دینان و گذشت و فداکاری در این راه از مال و جان، در شمار این وظایف است. این مبارزه مقدس، مرد و زن نمی شناسد و هر کدام باید در جایگاه خویش در این راه بکوشند. زینب کبری (علیها السلام) همانند مادرش فاطمه زهرا (علیها السلام)، هنگامی که سنگینی مسئولیت بزرگ جهاد در راه دین و پیکار و مبارزه با بی دینان را بر دوش خویش احساس کرد، با کمال شهامت و فداکاری، از خانه و کاشانه و شوهر و زندگی آسوده و خوشی که داشت دست کشید و شجاعانه و مخلصانه همراه فرزندان خود، هم سفر امام حسین (علیه السلام) گردید.

## بانوی شهامت و کرامت

پس از حادثه کربلا، حضرت زینب (علیها السلام) با کمال شهامت و گذشت، چون کوهی پولادین و سدی آهنین، در برابر دشمنان منحرف قیام کرد. نقش تأثیرگذار آن حضرت در کربلا تا حدی بود که در چند مورد، جان فرزند برومند امام (علیه السلام) و حجت الهی، حضرت سجاد (علیه السلام) به دست ایشان از مرگ نجات یافت. حضرت زینب (علیها السلام) در مجلس یزید، خود را فدایی ایشان کرد تا گزندى به امام معصوم (علیه السلام) نرسد. عقيله بنی هاشم، در سخت ترین شرایط، در برابر جنایتکاران و ستمگران، بدون هیچ واژه ای، از اسلام دفاع کرد و هر کلمه از سخنان پرمعنا و روح بخشش، چون تیرکاری و شهابی سوزان بر قلب دشمنان می نشست. زینب کبری (علیها السلام) با کمال سرفرازی و موفقیت، این مسئولیت سنگین را به خوبی انجام داد و باری را که مردان بزرگ نمی توانستند دسته جمعی به منزل برسانند، یک تنه و به تنهایی به منزل رسانید.

## شیعه؛ وامدار زینب (علیها السلام)

تاریخ زندگانی و مبارزات عقيله بنی هاشم، به خوبی روشن می سازد که نهضت امام حسین (علیه السلام) برضد کفر و ارتداد، بدون وجود زینب (علیها السلام) کامل نمی شد و اگر او وظایف سنگین خود را پس از شهادت برادر انجام نمی داد، آن رستاخیز خونین به نتیجه مطلوبی نمی رسید. جاودانگی نهضت حسینی، تنها در گرو همت عالی این بانوی بزرگ است که در واقع، حلقه پیوند آن فاجعه خونین با نسل های آینده به شمار می آید. به راستی ماندگاری مذهب تشیع و تمامی آثار معنوی و انسانی که شیعیان امروزه از آن بهره می برند، در گرو جان فشانی های زینب (علیها السلام) است و شیعه، حیات دینی و معنوی خویش را، وامدار این وجود تابناک و

## یادگار فاطمه (علیها السلام)

حضرت فاطمه (علیها السلام) در میان زنان، الگویی کامل است که در اثر ستم ها و فشارها، زندگی کوتاهی داشت و نهال پر بار وجودش، در بهار زندگانی خزان شد و در خاک رفت و رهروان راهش، نتوانستند به طور کامل از وجود او استفاده کنند. اما دختر بزرگ او، زینب (علیها السلام) که آئینه تمام نمای مادر بود، اهداف فاطمه (علیها السلام) را پی گرفت و در کنار دو برادر معصوم خویش، نقش پرثمری ایفا نمود و در طول 56 سال زندگی، بارها از امتحان الهی سرافراز بیرون آمد. زینب (علیها السلام) در طول حیاتش، فراز و نشیب های فراوانی دید و با انواع پیشامدها روبه رو گشت. او در همه موارد می تواند الگوی فضیلت های انسانی و سجایای اخلاقی باشد و زنان امت اسلامی را در صبر و بردباری، تقوا و فضیلت، ایثار و بخشش، یتیم نوازی و عطوفت، و ستیز و جهاد، رهبری و راهنمایی کند.

## پرتویی از خورشید

محبت اهل بیت علیهم السلام ، فریضه ای دینی و قرآنی است که آثار فردی و اجتماعی والایی دارد ؛ صاحبش را به نیک بختی و رضای الهی می رساند، از انحراف و گمراهی باز می دارد، هنگام مردن و گذشتن از صراط او را یاری می رساند و در روز رستاخیز در کنار پیامبر خدا محشور گردانیده و با آن حضرت، وارد بهشت می گرداند. زینب کبری (علیها السلام) یکی از این خاندان است که در دامن پر مهر علی و زهرا (علیها السلام) و در کنار وجود ارزشمند رسول خدا تربیت یافت و مهر و محبت او بر همگان لازم است. او نزدیک ترین حلقه اتصال به خاندان وحی و نبوت و کمال و معرفت است و به همین دلیل، شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام باید در تمام زمینه ها از این بانوی بزرگ سرمشق بگیرند.

## والاترین تبار

زینب کبری (علیها السلام) در خانواده ای به دنیا آمد که در جهان هستی نظیری ندارد و اعضای آن، هر کدام همانند خورشید تابان، جهان انسانیت را نورانی کرده اند و زندگی مردمان بدون رهبری و راهنمایی این خاندان، به فساد و بدبختی می انجامد. جد زینب (علیها السلام) ، رسول بزرگوار اسلام است که تبارش به ابراهیم خلیل الله

می‌رسد. جدّه اش خدیجه است که نهال نوپای اسلام، در سرزمین ایثار و فداکاری او پرورش یافت. فاطمه و علی (علیهما السلام) پدر و مادر او هستند که نور تابناک ولایت را در جان او پرورش دادند. زینب (علیها السلام) نوری است که از معدن خورشید تابید. او به جدّ خویش می‌بالید و در هر مشکلی، خود را با یاد و نام او تسکین می‌داد و مخاطبان را متوجه عظمت و موقعیت خود می‌ساخت. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) افزون بر اینکه جدّ زینب بود، عنوان دیگری نیز برای او داشت و آن نقش پدری بود؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همواره خود را پدر فرزندان زهرا (علیها السلام) معرفی می‌کرد.

## میراث مادری

از نظر وراثتی و تربیتی، مادران بیش از پدران و دیگر مربیان اجتماعی و محیطی در فرزندان مؤثرند. از این رو، امیرمؤمنان (علیه السلام) همچون دیگر انبیا و اولیا، در گزینش همسر به این موضوع اهمیت داد و خود در کلامی گهربار فرمود: «فرزند، ساخته شده طبیعت وجودی و محبت مادر است». اگر زینب توانست نهضت امام حسین (علیها السلام) را پس از تحمل زحمات فراوان به پیروزی نهایی برساند و شامات را پس از پنجاه سال تبلیغات سوء بنی امیه فتح کند، بدین سبب بود که در دامن مادری چون فاطمه (علیها السلام) پرورش یافته بود.

## اشک علی (علیه السلام) در میلاد زینب (علیها السلام)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سال ششم هجری، صلح حدیبیه را امضا کرد و با خوشحالی به مدینه بازگشت و هنگامی که در پنجم جمادی الاولی همان سال، خبر تولد زینب (علیها السلام) به ایشان رسید، خوشحالی او بیشتر شد. امام حسین (علیه السلام) که در آن زمان دوره کودکی را می‌گذراند، خوشحال به حضور پدر رسید و با چهره خندان عرض کرد: «پدر جان! مژده که خداوند خواهری به من داد». امام گریست و به فرزندش امام حسین (علیه السلام) که او نیز از گریه پدر، گریان شده بود فرمود: «پسر! تو با این خواهرت تاریخ کربلا را خواهی ساخت». سپس هر دو کنار زهرا رفتند و تولد زینب را به او تبریک گفتند، ولی آثار اندوه از آینده نوزاد، همچنان در چهره مولا پدیدار بود. خبر تولد زینب کم‌کم در مدینه به گوش مسلمانان رسید. شور و شغف این شهر را فرا گرفت و مردم برای عرض تبریک به حضور علی و خاندان پاک پیامبر رسیدند و با شور و شادمانی، علاقه و ارادت خویش را نشان دادند.

## جامع فضیلت های انسانی

تقدیر الهی ایجاب می کرد که زینب (علیها السلام) از آغاز زندگی، با مشکلات گوناگون روبه رو شود و خود را برای ایستادگی در برابر توفان های سهمگین اجتماعی ناشی از هواهای نفسانی ریاست طلبان آماده کند. او نیز با هوش و استعدادی که داشت و در مکتب رسالت و ولایت آن را به مرتبه کمال رسانده بود، آمادگی هر گونه ایثار و فداکاری را در خود به وجود آورد. در روایات آمده است که زینب کبری (علیها السلام) در وقارش به حضرت خدیجه (علیها السلام)، در عصمت و حیا به مادرش فاطمه زهرا (علیها السلام)، در فصاحت و بلاغت به پدرش امام علی (علیه السلام)، در حلم و بردباری به امام حسن (علیه السلام) و در شجاعت و قوّت قلبش به حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) شباهت داشت. گویا همه فضیلت های اهل بیت علیهم السلام در وجود زینب (علیها السلام) تجلی کرده بود.

## پاسبان امانت ها

زینب (علیها السلام)، وارث همه فضیلت های اهل بیت بود. او با عبادت و عرفان خود، دنیا را مبهوت کرد، ولی این فضیلت و بزرگواری، مختص او یا هر شخص خاص دیگری نیست، بلکه همه رهروان راه انبیا و اولیا می توانند با پیروی کامل از آنان و انجام دستورات اسلامی، به فضیلت های والای اخلاقی برسند. زینب (علیها السلام)، ستاره درخشانی بود که در آسمان علم و تقوا طلوع کرد و گوهر گران بهایی بود که تمام فضیلت های انسانی را در درون خود جای داد و محرم راز الهی شد.

وی توانست ودایع امانت را به خود اختصاص دهد و بیان کننده حرام و حلال و مرجع علمی و دینی شیعیان جهان گردد. این بانوی بزرگوار، به چنان شرح صدری رسید که سینه اش جایگاه والاترین گوهرهای صدف هستی و بزرگ ترین امانت عالم گردید؛ چنان که نقل است در روز عاشورا، امام حسین (علیه السلام) در وداع آخر، امانات الهی را به او سپرد. حتی حمایت از امام معصوم - حضرت سجاد (علیه السلام) - را به او سفارش کرد و در مدت کسالت آن حضرت، زینب نقش رهبری و هدایت مردم را به عهده گرفت.

## تکریم زینب (علیها السلام)

امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) که خود معصوم بودند و هر کدام حجت الهی زمان خویش به شمار می رفتند، خواهر بزرگ و ارجمند خویش را بسیار تکریم می کردند و او را مورد احترام و ستایش خاص قرار می دادند و به او به دیده مادر می نگریستند؛ زیرا زینب طبق وصیت مادر، در جایگاه او قرار گرفته بود و برای آنان نقش مادری داشت. روزی امام حسین (علیه السلام) مشغول خواندن قرآن بود که خواهرش زینب وارد شد.



سیدالشهداء به احترام خواهر، از جا برخاست. در موارد دیگر نیز هرگاه چنین موقعیتی پیش می آمد، امام حسین (علیه السلام) او را در جای خود می نشاند و خود در برابرش می نشست.

## مواسات در خردسالی

روزی عربی مستمند وارد مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) شد و از ایشان درخواست کمک کرد. پیامبر بزرگ اسلام از میان مردم برای این امر خیر داوطلب خواست و این بار نیز مانند بسیاری از موارد، امیرمؤمنان (علیه السلام) پیش قدم گردید و پذیرایی مستمند را برعهده گرفت. وقتی او را به خانه آورد، به فاطمه (علیها السلام) گفت: «ای دختر رسول خدا! آیا در خانه چیزی داریم که از مهمان خویش پذیرایی کنیم؟» زهرا جواب داد: «فقط به اندازه خوراک دختر بچه مان (زینب) غذا داریم». زینب (علیها السلام) که در این دوران فقط چهار بهار از عمر او گذشته بود، از جا برخاست و گفت: «مادر! نان مرا به مهمانمان دهید، من صبر می کنم». مهمان عرب، با غذای زینب (علیها السلام) پذیرایی شد و شب را به سحر رساند. فردای آن روز پیامبر امیرمؤمنان (علیه السلام) را ملاقات کرد و در حالی که از شدت خوشحالی اشک می ریخت، آیه ای را که در شأن حضرت علی (علیه السلام) و خانواده اش به دلیل مهمان نوازی نیکویشان نازل شده بود، تلاوت فرمود.

## تجسم مهر و ایثار

پس از حادثه جان سوز عاشورا، زینب (علیها السلام) سرپرستی اسیران را به عهده داشت. زمانی که دوران اسیری به پایان رسید و یزید در برابر خطابه های زینب (علیها السلام) و امام سجاد (علیه السلام) عقب نشست، با واکنش شدید مردم شام روبه رو شد، که از سخنان اهل بیت متأثر گشته بودند. پس به ناچار تصمیم گرفت خاندان امام حسین (علیه السلام) را با احترام و شکوه خاص به مدینه برگرداند. او برای این کار «نعمان بن بشیر» را به عنوان راهنما برگزید که وظیفه خود را به خوبی انجام داد. به همین دلیل، زینب کبری و خواهرش فاطمه، زیورآلات خود و دیگر بانوان را که از یغماگران پس گرفته بودند، بدو بخشیدند و به این ترتیب، بزرگواری حیرت انگیز خود را بار دیگر به جهانیان شناساندند.

## معرفت عاشقانه

زینب (علیها السلام) شناخت و معرفت را از علی و زهرا (علیهما السلام) آموخت و با عبادت و نیایش آن راتحکیم

بخشید. او با عبادت ها و ناله هایش، دشمن را وادار به عقب نشینی کرد و آل امیه را منقلب ساخت و آنان را همراه خود برضد یزید بسیج کرد. با این معرفت هنگامی که در کوفه سر از محمل بیرون کرد و خطاب به مردم با اشاره فرمود: «ساکت باشید!» نَفَس ها در سینه ها حبس گردیدند و حتی صدای زنگ شترها خاموش شد. بدین وسیله، دانستند که آن بانو با قدرت معنوی بر جامعه و قلب های مردم مسلط است؛ هر چند او همیشه از این قدرت استفاده نمی کند.

نشریه گلبرگ، خرداد 1385، شماره 75